

79- I talked to him about the future of his life. He was really
..... losing his job.

1) afraid about

2) sorry from

3) concerned

4) afraid of

«من با او درباره‌ی آینده زندگی‌اش صحبت کردم. او واقعاً نگران از دست دادن
شغلش بود.»

نکته: afraid همواره با of در جملات به کار می‌رود.

نگران چیزی بودن: to be afraid of sth